

عليه السلام
طول حضرت مهتاب

سید محمد حسین حسینی



عمر را پایان رسید و یارم از در در نیامد

قصه‌ام آخر شد و این غصه را آخر نیامد

جام مرگ آمد به دستم جام می هرگز ندیدم

سالمها بر من گذشت و لطفی از دلبر نیامد

مرغ جان در این قفس بی بال و پر افتاده اما

آنکه باید این قفس را بشکنند از در نیامد

عاشقان روی جانان جمله بی نام و نشانند

نامداران را هوای او دمی بر سر نیامد

کاروان عشق رویش صف به صف در انتظارند

با که گویم آخر آن معشوق جان پرور نیامد

مردگان را روح بخشد، عاشقان را جان ستانند

جاهلان را این چنین عاشق کشی باور نیامد

پرسشی که از دیرباز درباره حضرت مهدی - علیه السلام - در ذهنها مطرح بوده، و در این زمان نیز گاهی رخ می‌نماید، مسئله طولانی بودن عمر حضرت حجت و راز آن است. آیا ممکن است او این همه عمر (1171 = 255 - 1426) کند، در حالی که معمولاً سن انسانها از یکصد الی یکصد و بیست سال تجاوز نمی‌کند؟! این عمر طولانی با توجه به حداکثر عمرهایی که در اطراف خود می‌بینیم چگونه سازگار است؟ آیا این امر در راستای قوانین طبیعی عالم است یا جنبه غیبی و

اعجازی دارد؟ آیا امکان دارد از نظر ظاهری فردی در عالم این همه عمر طولانی داشته باشد، در عین حال هنگام ظهور در سن پیران اما با چهره جوان شاداب و با طراوت باقی بماند؟ برای دریافت پاسخ سؤالات پیش گفته، توجه به چند نکته و اصل کلی لازم و ضروری می‌نماید:

۱. هند عمر طبیعی

باید دید آیا عمر موجودات زنده در طبیعت مانند عمر فراورده‌های صنعتی می‌باشد که عمر محدودی دارد؟ مثلاً یک انسان به طور متوسط ۸۰ سال، یک کبوتر ۵ سال، یک حشره چند ماه، یک درخت چنار ۱۵۰ سال، و یک بوته گل ۶ ماه عمر می‌کند؟

در گذشته گروهی از دانشمندان عقیده به وجود یک سیستم عمر طبیعی در موجودات زنده داشتند مثلاً: پاولوف عقیده داشت عمر

طبیعی انسان ۱۰۰ سال است، میچینکوف می‌گفت: عمر طبیعی یک انسان ۱۵۰ تا ۱۶۰ سال؛ و کوفلاند، پزشک آلمانی ۲۰۰ سال؛ فلوگر، فیزیولوژیست معروف ۶۰۰ سال؛ و بیکن، فیلسوف و دانشمند انگلیسی ۱۰۰۰ سال برای عمر طبیعی انسان، معین کرده‌اند. ولی این عقیده از طرف فیزیولوژیست‌های امروز در هم شکسته شده و مسئله حد ثابت در عمر طبیعی ابطال گردیده است.

به گفتهٔ پروفیسور اسمیس، استاد دانشگاه کلمبیا همان گونه که سرانجام دیوار صوتی شکسته شده و وسایل نقلیه ای با سرعتی ما فوق صوت به وجود آمده، یک روز دیوار سن انسان نیز شکسته خواهد شد، و از آنچه تا کنون دیده‌ایم فراتر خواهد رفت. بنا بر این برای مدت زندگانی انسان، حدی که تجاوز از آن محال باشد معین نشده است.

از آزمایشهای دکتر کارل که در ماه ژانویه سال ۱۹۱۲ میلادی آغاز شدند نتایج زیر بدست آمد:

۱. این اجزای سلولی، تا هنگامی که سبب مرگ آنها از قبیل کمبود تغذیه، یا ورود برخی میکروبها تحقق نیابد، زنده باقی میمانند.

۲. نه تنها زنده باقی میمانند، بلکه سلولهای آنها در حال رشد و تکثیر هستند. گویی که در جسم حیوان قرار دارند.

۳. شدت و ضعف رشد و تکثیر سلولها ارتباط نزدیکی با تغذیه آنها دارند.

۴. گذشت زمان در ناتوانی و پیری آنها تأثیر ندارد، بلکه کمتر اثری درباره پیری آنها آشکار نیست و در هر زمان مانند زمانهای قبل رشد و تکثیر آنها ادامه دارد. ظواهر امور به روشنی حاکی از آن است که تا هر وقت پژوهشگران مراقب آنها بودند، و آنها را غذای کامل می

دادند، همچنان به زنده بودن ادامه می دادند.^۱

پس از نظر علمی ممکن است بر اثر مراقبتهای ویژه، انسانی دارای عمر طولانی و دراز باشد.

۲. تأخیر پیری و ازدیاد عمر

اگر پیری را یک نوع بیماری و عارض بر حیات بدانیم و یا آن را قانون طبیعی بشناسیم که بر بافت و اندام موجودات زنده، از درون، عامل نیستی را به مرور زمان فراهم می کند و موجود زنده را خواه ناخواه به مرحله فرسودگی و مرگ می رساند، باز معنایش آن نیست که این پدیده قابل انعطاف پذیری و در نتیجه تأخیر نباشد.

گروهی از پزشکان عقیده دارند که پیری یک نوع بیماری است که بر اثر «تصلب شرایین» و یا «اختلال

۱. مهدی انقلابی بزرگ، مکارم شیرازی، قم، انتشارات مطبوعاتی هدف، ۱۳۵۶، ص ۲۲۳ و یکصد پرسش، همان، ص ۱۰۵ - ۱۰۶.

متابولیسم» بدن انسان پدید می‌آید، و اگر ما بتوانیم از طریق تغذیه صحیح و داروهای مؤثر بر این عوامل پیروز شویم، جلو پیری را گرفته و از عمر طولانی برخوردار می‌گردیم.^۱

روانشناسان نیز می‌گویند: طول عمر انسان بستگی زیادی به طرز تفکر و عقاید او دارد و با داشتن یک سلسله روحیات و عقائد سازنده و آرامش بخش، طول عمر انسان قابل افزایش است.^۲

به همین جهت در اواخر قرن نوزدهم، بر اثر پیشرفتهای علمی، امید به زندگی طولانی‌تر رونق بیشتری یافت و شاید در آینده نه چندان دور، این رؤیای شیرین بشریت به واقعیت پیوندد.^۳

در مجموع می‌توان گفت: دانش بشری در زمینه عقب انداختن پیری و طولانی نمودن عمر، موفقیت‌هایی به دست آورده و از رابطه تغذیه و پیری تجربه‌های جدیدی کشف کرده و ارتباط تنگاتنگی بین اسرار تغذیه در مقابله با پیری و فرسودگی ارائه داده است.

دانشمندان با مطالعه روی طول عمر ملکه زنبوران عسل - که چند برابر زنبوران معمولی عمر می‌کند - به این نتیجه رسیده‌اند که این امر معلول «ژله» مخصوصی است که زنبوران کارگر برای تغذیه ملکه فراهم می‌کنند که با عسل‌های معمولی تفاوت بسیار دارد. و جمعی به این فکر افتاده‌اند که با تهیه مقدار فراوانی از این ژله، ممکن است عمر انسان را تا چند برابر افزایش داد.^۴

با توجه به آنچه گفته شد، در مورد عمر طولانی حضرت مهدی - علیه

۱. همان، ص ۴۶ - ۴۷ و مهدی انقلابی بزرگ، ص ۲۲۶.

۲. همان، ص ۲۲۶.

۳. مجله حوزه، همان، ص ۴۷. ر. ک: شهید صدر، امام مهدی حماسه‌ای از نور، ترجمه

کتابخانه بزرگ اسلامی، ص ۳۰.

۴. مهدی انقلابی بزرگ، ص ۲۲۵ - ۲۲۶.

السلام - از نظر علمی و نظری امکان دارد (فقط در حد امکان می‌گوییم) که آن حضرت با دانش خدادادی که بر اسرار خوراکیها دارد، و با استفاده از روشهای علمی و طبیعی بتواند (باز تاکید می‌کنیم در حد امکان) مدتی طولانی در این دنیا زندگی کند و آثار فرسودگی و پیری در وی پدیدار نگردد، و همچنان شاداب و جوان بماند.

۳. وجود افراد استثنائی

وجود استثناها در هر امری، از جمله امور طبیعی این عالم، مسئله‌ای است واضح و انکار ناپذیر. گیاهان و درختان و جاندارانی که در دامن طبیعت پرورده می‌شوند و از سابقه کهن و زیستی طولانی برخوردارند، کم نیستند. به این نمونه‌ها توجه کنید:

جهانگردانی که از اسکاتلند دیدن کرده‌اند می‌گویند، درختی در آنجاست که قطر تنه آن ۹۰ پاست و

میزان عمر آن را پنج هزار سال تخمین زده‌اند. در کالیفرنیا درختی است که قطرش ۱۰ متر و عمرش را شش هزار سال برآورد کرده‌اند. در جزایر کاناری درختی از نوع عندم یا به تعبیر ما «خون سیاوش» توجه دانشمندان را به خود جلب کرده که از زمان کشف این جزیره (حدود پانصد سال پیش) تا کنون هیچگونه تغییری در آن مشاهده نشده است. بعضی حدس می‌زنند که این درخت قبل از خلقت آدم - علیه السلام - وجود داشته است. و در مناطق استوایی زمین، درختانی وجود دارند که مرتب ریشه و جوانه می‌زنند و هیچگاه عمرشان به پایان نمی‌رسد. همین طور در عالم حیوانات حلزونهایی با عمر چند هزار سال دیده شده است و ماهیهایی کشف کرده‌اند که عمر آنها را به سه میلیون سال تخمین زده‌اند. در یخهای قطبی ماهی منجمدی پیدا

کردند که وضع طبقات یخ نشان می‌داد
مربوط به پنج هزار سال قبل است و ماهی نیز
زنده بود.^۱

با توجه به نمونه‌های پیش گفته، چه
استبعادی دارد که در عالم انسانی هم، برای
نگهداری یک انسان و حجت خدا، به عنوان
ذخیره و پشتوانه اجرای عدالت و نفی و طرد
ظلم و ظالمان، قائل به استثنا شویم و او را
موجودی فراتر از عوامل طبیعی و اسباب و
علل ظاهری بدانیم که قوانین طبیعت در
برابرش رام و انعطاف پذیری دارند و او بر
آنها تفوق و برتری دارد. این امری است
ممکن، گر چه عادی و معمولی نباشد.^۲

مرحوم علامه طباطبائی در این باره می-
گوید: «نوع زندگی امام غائب را به طریق

۱. همان، ص ۲۲۷ - ۲۲۹، با تلخیص.

۲. همان، ص ۲۳۱، مجله حوزه، همان، ص ۴۷.

خرق عادت [می‌توان پذیرفت] البته خرق عادت، غیر از محال است و از راه علم، هرگز نمی‌توان خرق عادت را نفی کرد؛ زیرا هرگز نمی‌توان اثبات کرد که اسباب و عواملی که در جهان کار می‌کنند، تنها همانها هستند که ما آنها را دیده‌ایم و می‌شناسیم و دیگر اسبابی که ما از آنها خبر نداریم و یا آثار و اعمال آنها را ندیده‌ایم یا نفهمیده‌ایم وجود ندارد. از این رو ممکن است در فردی یا افرادی از بشر اسباب و عواملی به وجود آید که عمری بسیار طولانی، هزار یا چندین هزار ساله برای ایشان تأمین نماید.»^۱

* نمونه‌های تاریخی

از دیدگاه تاریخی «معمربین» و افراد دارای طول عمر، فراوان یافت می‌شوند که هر یک چند برابر افراد معمولی زمان خویش عمر کرده‌اند و حتی نمونه‌هایی داریم که بیش از حضرت حجت زنده بوده‌اند و هنوز هم زنده‌اند. اینک به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:



الف. حضرت مسیح: یهودیان با همکاری برخی از مسیحیان خیانت کار، تصمیم به قتل حضرت مسیح - علیه السلام - گرفتند، خداوند نقشه آنها را نقش بر آب کرد و پیامبر را از چنگال آنها رهایی بخشید و به آسمان برد. خود مسیحیان طبق اناجیل موجود می-گویند که عیسی کشته شد و دفن گردید، سپس از میان مردگان برخاست و مدت کوتاهی در زمین بود و بعد به آسمان صعود کرد؛ ولی قرآن در دو آیه^۱ صریحا می گوید، مسیح کشته نشد، بلکه زنده است و خداوند او را به سوی آسمان برد و هنوز هم زنده است.

او در آخر الزمان بعد از ظهور امام زمان - علیه السلام - از آسمان نازل شده، پشت سر آن حضرت نماز می خوانند،

چنانکه پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - فرمود: «حضرت عیسی نازل می شود و امیر مسلمانان (حضرت مهدی - علیه السلام -) به او می گوید: بیا تا با تو نماز بگذاریم. حضرت عیسی - علیه السلام - می گوید: نه، بعضی از شما امام و امیر بعض دیگرید، و این احترامی است که خدا برای این امت قائل شده است. سپس مسیح - علیه السلام - به حضرت مهدی - علیه السلام - اقتدا می-کند.»^۳

ب. حضرت خضر علیه السلام: قرآن صریحا از حضرت خضر نام نبرده، ولی از او به عنوان بنده ای از بندگان خدا که به او علم فراوان (علم لدنی) داده شده یاد شده است.^۴ او در روایات با نام خضر معرفی شده است و نام اصلی او «بلیا بن ملک» بوده و خضر لقب

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهاردهم، ۱۳۷۰، ج ۴، ص ۱۹۹ - ۲۰۳ و ج ۲، ص ۴۳۰.
 ۲. آل عمران / ۵۵ و نساء / ۱۵۷ - ۱۵۸.

۳. ابو علی طبرسی، ترجمه مجمع البیان، بیروت، دار المعرفه، ج ۲۲، ص ۴۵۴، ذیل آیه ۶۱ زخرف؛ رک: تفسیر نمونه، همان، ج ۲۱، ص ۱۰۰.
 ۴. کشف / ۶۵.

اوست؛ زیرا هر کجا گام می‌نهد، زمین در برابر قدمهایش سر سبز می‌شده^۱ است.

از منابع اسلامی استفاده می‌شود که او برای اجرای مأموریت در عالم تکوین و باطن هستی از یک عمر طولانی برخوردار است. چنانکه پیامبران مأمور پیاده کردن نظام تشریح و قوانین الهی هستند، گروهی از فرشتگان و برخی از انسانها (همچون خضر) مأمور پیاده کردن نظام تکوین و رسیدگی به مشکلات مردم می‌باشند.^۲ و گاه مأموریتهایی از طرف حضرت حجت نیز دارند.^۳

ج. الیاس: الیاس یکی از پیامبران بود که در دو آیه از قرآن به او اشاره شده است.^۴

آنچه از آیات و روایات استفاده می‌شود این است که الیاس غیر از خضر است و فرق او با خضر در این است که الیاس مأموریتش در خشکی است ولی خضر در جزایر و دریاها. برخی مأموریت الیاس را در بیانها و مأموریت خضر را در کوهها می‌دانند و برای هر دو عمر جاودان قائلند.^۵

د. عده‌ای از معمرین: در تاریخ از عده‌ای از معمرین اسم برده شده است، از جمله: آدم (۹۳۰ سال)، شیث (۷۳۲ سال)، ادریس (۳۰۰ سال)، متوشالغ (۹۶۰ سال)، کمک (۷۹۰ سال)، نوح (۹۵۰ سال)، ابراهیم (۱۹۵ سال)، کیومرث (۱۰۰۰ سال).

۱. تفسیر نمونه، همان، ج ۱۲، ص ۵۰۹.

۲. همان، ص ۵۰۸.

۳. محمدرضا مظفر، بدایة المعارف، شرح از سیدمحسن خرازی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۲، ص ۱۵۸.

۴. صافات / ۱۲۳ و انعام / ۸۵

۵. ناصر مکارم شیرازی، همان، ج ۱۹، ص





سال)، جمشید (۶۰۰ یا ۹۰۰ سال)،
عمر بن عامر (۸۰۰ سال)، عاد
(۱۲۰۰ سال).

اگر چه ممکن است برخی از این
اعداد و ارقام، غیر معتبر بوده و
خالی از مبالغه نباشد، لکن این
مسئله در کتب بسیاری از تاریخ
نگاران آمده است. ضمن اینکه
مسئله طول عمر نوح نبی - علیه
السلام - یک مسئله قرآنی است و
اگر ما عمر ۲۵۰۰ ساله نوح را که
برخی مورخین نقل کرده‌اند نپذیریم،
عمر ۹۵۰ ساله آن پیامبر که در قرآن
کریم آمده غیر قابل انکار است؛ در
آنجا که می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا
إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ
عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ﴾؛
«ما نوح را به سوی قومش فرستادیم
و نهصد و پنجاه سال در بین آنان
درنگ نمود. پس طوفان قومش را

فرو گرفت در حالی که ستمکار
بودند».

۵. قدرت الهی و عنایت غیبی

از همه آنچه که گفتیم بگذریم،
اگر از زاویه ایمان به غیب و اعجاز
به این پدیده بنگریم، پاسخ همه
اعتراضها و شبهه‌ها داده می‌شود و
نیازی به ارائه شواهد طبیعی و
تاریخی نیست. به قول فلاسفه «لا
مؤثر فی الوجود إلا الله؛ تأثیر گذاری
[مستقل در علل و عوامل طبیعی]
جز خدا نیست.» همه قدرتها دست
اوست و اگر بخواهد شیشه را در
بغل سنگ نکه می‌دارد، آن گاه
چگونه از حفاظت آخرین ذخیره
آفرینش و امید تمام هستی و
بشریت ناتوان و عاجز است؟

شیخ طوسی در این باره می-
گوید: «بر اساس آیه شریفه: ﴿يَمْحُو
اللهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أَمَّ

الکتاب^۱؛ «خدا هر چه را بخواهد محو و هر چه را بخواهد اثبات می- کند و ام‌الکتاب [لوح محفوظ] نزد اوست». هر آنی که مصلحت در تأخیر، تا زمان دیگر باشد، تداوم عمر آن حضرت ضرورت می‌یابد و این امر، تا آخرین زمان لازم ادامه دارد و رمز آن به دست کسی است که مفاتیح غیب و ام‌الکتاب در نزد اوست.^۲

این از قدرت الهی است که درباره حضرت یونس - علیه السلام - هنگامی که در شکم ماهی قرار داشت می‌فرماید: ﴿وَلَوْ أَنَّهُ كَانِ مِنْ الْمُسَبِّحِينَ لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴾^۳؛ «و اگر او از تسبیح

کنندگان نبود تا روز قیامت در شکم ماهی می‌ماند.»
لذا می‌تواند بر اساس قدرت بی- نهایت و مشیت مطلقه‌اش، مقدمات و عوامل زنده ماندن امام زمان - علیه السلام - در این عالم را بر اساس قانون «اعجاز» آماده سازد و او را تا روز معین و معلومی نگه دارد.

قانون معجزه، حاکم بر قوانین طبیعی در این عالم است و نمونه های فراوانی در امتهای پیشین و نسبت به پیامبران گذشته دارد،^۴ از جمله: سرد و سلامت شدن آتش بر حضرت ابراهیم - علیه السلام -^۵، شکافته شدن دریا برای موسی - علیه السلام -^۶، و اژدها شدن عصا (یک قطعه چوب بی ارزش چوپانی) و ید بیضا، و همین طور در

۱. رعد / ۳۹.

۲. شیخ طوسی؛ کتاب الغیبه؛ تحقیق شیخ عباد الله تهرانی و احمد ناصح، مؤسسه معارف اسلامیة، ص ۴۲۸.

۳. الصافات / ۱۴۴.

۴. مهدی انقلابی بزرگ، همان، ص ۲۳۲.

۵. انبیاء / ۶۹.

۶. بقره / ۵۰.





مورد حضرت عیسی که بیماران غیر قابل علاج را شفا می‌دهد، و مردگان را زنده می‌کند، و آن گاه که رومیان قصد جان او می‌کنند، کار بر آنها مشتبّه شده می‌پندارند که وی را دستگیر کرده‌اند و حال آنکه چنان نبوده است.^۱ و همین طور معجزات بی‌شماری که در مورد پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - نقل شده است، مانند: شق القمر، سجده کردن سنگ ریزه در دست حضرت، گذشتن از حلقه محاصره قریشیان بدون آنکه او را دیده باشند^۲ و صدها معجزه دیگر.^۳

هر یک از موارد فوق نقض قانون عقلی و منطقی نیست، بلکه نقض یک حالت و جریان طبیعی است که با قدرت مافوق الهی رخ

۱. نساء / ۱۵۷.

۲. انفال / ۳۰.

۳. رک: کشف المراد، علامه حلی، بخش معجزات پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - .

داده است. پاسداری از حجت خدا، مهدی صاحب زمان و عمر طولانی او از مصادیق همین اصل کلی و از معجزات بزرگ الهی است که هر متدین و مسلمانی به سادگی می‌تواند آن را باور کند.

۶. نامعلوم بودن ماهیت حیات طول عمر، از شاخه‌های مسئله عمومی تری به نام «حیات» است. حقیقت و ماهیت حیات، هنوز بر بشر مجهول و نامعلوم است، و شاید بشر هیچ گاه هم از این راز سر در نیاورد. بشری که این اندازه ناتوان است و موضوع حیات را درست نمی‌شناسد و از ویژگیهای آن، آگاهی کامل و همه جانبه ندارد، چگونه می‌خواهد مسئله طول عمر و استبعاد آن را مطرح سازد و به دیده تردید به آن بنگردد؟^۴ و طول عمر حجت الهی را زیر سؤال ببرد؟

۴. رک: مجله حوزه، ۷۱ - ۷۰، سال ۱۳۷۴،

ص ۶۱ یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام

بنا بر این طول عمر حضرت مصادیق بزرگ اعجاز الهی به شمار
 مهدی هیچ استبعادی ندارد، چون رود.
 چنین عمری هم امکان علمی دارد، سخن را با شعری به یاد آن سفر
 و هم دلایل طبیعی و تاریخی وقوع آن کرده - که صد قافله دل همراه اوست
 را تأیید می‌کند، و هم می‌تواند از - به پایان می‌بریم:

سوختم ز آتش هجران تو ای یار بیا

تا نکشته است مرا طعنه اغیار بیا
 من همه عمر تو را جستم و نایافته‌ام
 تو عنایت کن و یک لحظه به دیدار بیا
 من که از کوی طیبیم نگرفتم خبری
 تو که دانی چه گذشته است به بیمار بیا
 همه جا گشتم، دستم به وصالت نرسید
 تو بنه پای به چشم من و یک بار بیا
 یوسف فاطمه عالم همه مشتاق تواند
 رخ برافروز دمی بر سر بازار بیا
 چه شود جلوه دمی خانه تاریک مرا
 روز من شب شده اینک به شب تار بیا
 در فراق نه همین سوختم از اول عمر
 تا دم مرگ همین است مرا کار بیا

